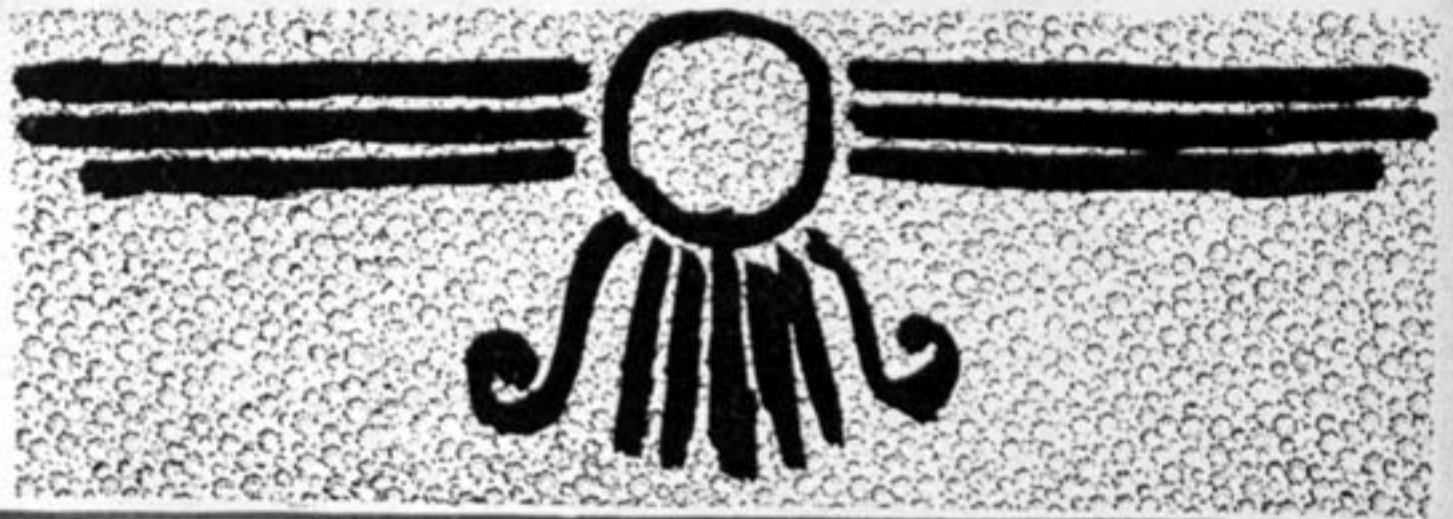


زرتشت و زرتشتیان



از: علی جواهر کلام

یکی پاک پیداشد اندر زمان
بدست اندرش مجمر عودیان
خجسته پی و نام او زردشت
که اهریمن بدکش را بکشت
«از فردوسی»

پیدایش زرتشت
زردشت یا زرتشت پیامبر
ایرانی بنا بر روایات مذهبی
در زمان گشتاسب پسر
لهراسب از پادشاهان کیان
ظهور کرد. محل تولد
←

آتش مقدس همیشه باید
روشن باشد. در اینجا مرد
زرتشتی در کار برافروختن
این آتش است.



سفره‌ای که به اهورامزدا نیاز میشود (از مراسم خاص زرتشتیان)

شده است و درباره آفرینش جهان و احکام مذهبی مانسند نظافت - پاک نگاهداشتن آب - اجتناب از لاشه - عهد نشکستن و غیره صحبت میدارد.
 ۴ - یشت‌ها که به ۲۱ فصل تقسیم بندی شده و عبارت از کلمات موزون و یاسرود های مذهبی است که در ستایش اهورامزدا و فرشتگان گفته شده است.
 ۵ - خرده اوستا یا اوستای کوچک (خورتک اپستاک) و آن عبارت از ادعیه مخصوص آمرزش گذشتگان و دعا های روزانه و ماهانه است.
 تعلیمات زرتشت - مطالعه دقیق اوستا چنین معلوم میگردد که اساس تعالیم زرتشت بر چهار اصل استوار گردیده است :

۱ توحید

مسبب جمیع اسباب مادی و معنوی همان وجود مطلق لایتناهی است که مبدأ و مقصد اصلی سراسر کائنات میباشد زرتشت این قوه مافوق تمام قوا را (اهورامزدا) مینامد و در آیه سی و یکم فصل هشتم اوستا چنین میگوید:
 > ای اهورامزدا در قوه اندیشه خود دریافتم که توئی سر آغاز که توئی سر انجام که توئی پدر منش پاک که توئی آفریننده راستی که تو داور دادگر اعمال جهانی <

۲ - تنازع ضدین

جمیع موجودات (مادی معنوی) در تحت تأثیرات فعل و انفعال دو قوه متضاد (انگره مینو سپنتامینو) بسوی مقصد اصلی خود در مسیر ترقی میباشد.
 ساده تر بگوئیم در این قسمت از تعالیم زرتشت همان اصل کلی و قانون اساسی طبیعت (ضدین) ابراز شده که در هر دو عالم مادی و معنوی برقرار میباشد.

۳- تربیت روحانی

اقتدار مقدس و پرورش قوه روحانی برای مقاصد شریف و کوشش

و پیدایش زرتشت را استان ماد یعنی آذربایجان امروزه شناخته اند اما چنین گفته شده که زرتشت از آذربایجان شهر بلخ که آن موقع پایتخت ایران بود هجرت کرد و در آنجا آئین خود را بشاهنشاه ایران عرضه داشت و چون گشتاسب دین او را پذیرفت در بلخ آتشکده ای بنا کرد و در همان آتشکده بدست يك تورانی بنام برات رگرمش در سن ۷۷ سالگی گفته شد طبق روایات باستانی کی گشتاسب دستور داد تا دوازده هزار پوست گاو را دباغی کردند و اوستا کتاب دینی زرتشت را باطلای خالص بر آن نوشتند و بقرار معلوم در این دوازده هزار پوست گاو نسخه های متعددی از اوستا نوشته شده بود و در هر حال بواسطه حوادث مختلفی (مانند حمله اسکندر و هجوم اعراب) که در ایران روی داد قسمت عمده اوستا از بین رفت و آنچه فعلا باقی مانده از هشتاد و سه هزار کلمه تجاوز نمی کند.

ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه راجع بسوزانیدن و از بین بردن اوستا بوسیله اعراب چنین میگوید: «همینکه قتیبة بن مسلم خوارزم را کشتود هیربدان یعنی پیشوایان دینی را بلااستثناء هلاک کرد و تمام کتب و نوشته های زرتشتیان را سوزانید».

ابن خلدون در مقدمه مشهور خود میگوید > وقتی که اسکندر دارا آخرین پادشاه ایران را از بین برد تمام کتب ایرانیان را که از حد و حصر بیرون بود بیونان انتقال داد و اما اوستای فعلی که پس از آن حوادث باقی مانده به پنج جزء یا پنج کتاب تقسیم میشود از اینقرار :

- ۱ - یاسنا که بمعنای پرستش و نیایش و جشن میباشد. یاسنا به ۷۲ فصل تقسیم میگردد و از قرار مذکور ۱۷ فصل ازین ۷۲ فصل کلام خود زرتشت است
- ۲ - ویس پاراد که معنای تحت اللفظی آن (همه سروران) است به ۲۴ فصل تقسیم میشود و بطور کلی مجموعه ای از ادعیه مربوط با پیام جشن و نیایش میباشد.
- ۳ - وندیداد که مهم ترین قسمت اوستا میباشد و به ۲۲ فصل تقسیم

۴ - اصل تکامل

اعتقاد باینکه کلیه موجودات بسوی مقصد مقدس روحانی تکامل در حرکت و ترقی میباشند. پس مسلم میشود که آئین زرتشت مبنی بر اساس یکتاپرستی و ستایش خدای یگانه ای است که (هورامزدا) خوانده میشود و آن دوقوه متضاد هم منبعث از همان قوه مافوق قوا میباشد چنانکه در کلیه ادیان دیگر آسمانی نیز این دوقوه متضاد باسنه متفاوت از قبیل نفس اماره و نفس مطمئنه و غیره ذکر شده و مولانا اشاره باین اصل نموده میفرماید :

رکب رک است این آب شیرین تلخ و شور - در خلایق می رود تا نفع صور و اما موضوع توجه خاص زرتشتیان بآتش برای آن است که آتش را یکی از مظاهر فروغ ایزد میدانند همانطور که مسیحیان هم در موقع ادای مراسم مذهبی شمع میافروزند و عود در آتش میسوزانند و در واقع این قبیل مراسم برای مرکزیت دادن و مجسم ساختن تفکرات انسان در برابر آن مبداء اصلی و کلی میباشد همینقسم موضوع آلوده ساختن آب و خاک و هوا که بعقیده زرتشتیان (و مطابق اصول علمی) برای بهتر ساختن اوضاع خود و دیگران باید باین اصل کلی متمسک بود.

بقاء روح و سلامت ابری

در آئین زرتشت بقای روح و وصول بسعادت ابدی یکی از اصول مسلم محسوب گشته و برای نیل بآن درجه عالی هفت مرحله تعیین گردیده که پس از طی آن مراحل انسان شایسته وصول بدار بقاء میگردد و آن هفت مرحله عبارت است از :

۱ - راستی

زرتشت میگوید هر زن و مردی در انتخاب راه راستین و دروغین آزاد و مختار است. اما هر زن و مردی باید بداند که فقط یک راه برای نجات وجود دارد و آن راه راستی است.

۲ - پاک منشی

زرتشت در گات ها و سایر قسمت های اوستا پاک منشی را میستاید و آنرا برای رسیدن به سعادت جاویدانی لازم میسورد زرتشت میگوید پاک منشی هم در نهاد بشر بطور ودیعه نهفته شده و هم با کسب معرفت بدست میآید پس بر هر فردی حتم و لازم است که بوسیله تعلیم و تربیت آن پاک منشی خدا داد را بدرجه کمال برساند.

۳ - وهو خشترا

کسب قدرت روحانی که در اوستا به (وهو خشترا) نامیده شده باین معنی که انسان چنان مناسبات خود را با آفریدگار نزدیک سازد که بتواند کالبد خویش را مرکز اقتدار قوای رحمانی قرار دهد زرتشت میگوید هر کس میتواند با کمک این قدرت الهی دوازده عزم و اراده گشته خود را از نکبت ضعف برهاند.

۴ - عشق مقدس

زرتشت معتقد است که روح انسان پرتو مقدسی از انوار الهی است و همه ارواح از یک محل و از یک حقیقت واحد صادر شده است و در این صورت کلیه افراد بشر که از یک گوهر تابناک پدید آمده اند باید با عشق مقدسی که در نهاد آنان سرشته شده با دیده محبت بر محسنات کائنات توجه نمایند چنانکه مولانا میفرماید :

یک گهر بودیم هم چون آفتاب بی گره بودیم و صافی هم چو آب
در معانی قسمت و اعداد نیست در معانی تجزیه و افراد نیست
اتحاد یار بایاران خوش است پای معنی گیر صورت سرکش است

۵ - سعادت

زرتشت در اوستا تاکید میکند که انسان کامل باید قوای خود را صرف سعادت دیگران بکند و موجبات آسایش آنان را فراهم نماید.

۶ - نجات

بر طبق تعالیم زرتشت هر کس که آن پنج مرحله را طی کرده در عالم جاویدان رستگار خواهد شد و از مهالك نفسانی نجات می یابد.

۷ - وصال

مطابق تعالیم زرتشت هر فردی که بوادای نجات راه یافت بدار الملک

بقاوسر منزل ابدی واصل میگردد و بفرموده خواجه لسان الغیب مانند ذره ای که از آفتاب جدا شده بود با آفتاب متصل میگردد

صبح امید که بد معتکف پرده غیب کو برون آید که کارش تار آخر شد بعد از این نور با آفاق دهم از دل خویش که بخورشید رسیدیم و غبار آخر شد

زرتشتیان بعد از اسلام - پس از رواج دین اسلام در ایران عدم قلمی از ایرانیان بآئین زرتشت باقی ماندند و اکثر ایرانیان مسلمان شدند جمعی از آن زرتشتیان در ایران ماندند و جمع دیگری به هندوستان سفر کردند و در آنجا مقیم شدند و مطابق تعلیمات دینی خود بخدمتگزاری نوع بشر و عمران و آبادی پرداختند بقسمی که از هزار و سیصد سال پیش تا کنون پارسیان و یا زرتشتیان مقیم هند بواسطه همان نیکو کاری و نیک سرشتی مقام بلندی در میان مردم هند بدست آورده اند و مهاجرتی گاندی در کتاب شرح حال خود از محامد صفات پارسیان شرح مفصلی ذکر کرده و مساعدت آنان را در راه کسب استقلال و آزادی هند ستوده و از آنان سپاسگزاری مینماید و اما زرتشتیان مقیم ایران چه در گذشته و چه در حال حاضر برای هموطنان خویش برادران و خواهران فداکار و نیکوکاری بوده اند چنانکه از روزگارهای پیشین در تهران و یزد و کرمان مؤسسات خیریه و آموزشگاه های بالنسبه عالی تاسیس نموده اند و هم اکنون در تهران کودکستان و دبستانها و دبیرستانهای دخترانه و پسرانه آبرومندی دایر نموده اند و در هر امر خیری با دل و جان پیشقدم گشته در مساعدت و معاضدت هموطنان فداکاری نموده اند

در ایام پیش از مشروطه که امور اقتصادی ایران در انحصار دویانک خارجی روس و انگلیس بود شادروان ارباب جمشید پاریسی یک مؤسسه مهم اقتصادی در تهران دایر کرد که در بسیاری از شهرهای ایران و خارجه شعباتی داشت و همه نوع کارهای بانکی با شرایط سهل و ساده در آن مؤسسه ویژه ایرانی انجام پذیر بود . ارباب جمشید قریب بیست سال بانهایت آبرومندی آن خدمت را اداره میکرد ولی سر انجام در نتیجه دسیسه های خارجی و داخلی آن مؤسسه از میان رفت .

در نهضت مشروطه زرتشتیان همه نوع فداکاری بخروج دادند از آن جمله یکی از بازرگانان بنام آنزمان موسوم بارباب فریدون در سال اول مشروطه فعالیت بسیاری در مبارزه با مستبدین ابراز میکرد و روی همین نظر شبانه بخفاه او ریختند و آن را دمرد پاریسی را بجرم مشروطه طلبی و آزادی خواهی در برابر چشم کسانش بطرز هولناکی کشتند مردم تهران و ولایات که اینرا شنیدند از مجلس و دولت خواستند که تمام قاتلان را اعدام کنند ولی چون دسته ای قریب ده نفر مرتکب قتل یکنفر شده بودند بحکم قانون اعدام ده نفر برای قتل یکنفر امکان نداشت با این همه مردم دست بردار نبودند و اعدام هر ده نفر را میخواستند زیرا ارباب فریدون پاریسی در همراهی با آزادی خواهان پیش از ده ها نفر مؤثر بود و سر انجام وزارت عدلیه آنزمان بعد از آنکه جنایت کاران را شلاق بسیاری زد آنانرا از تهران بکلان تبعید کرد که ده سال تمام در آنجا باشند مردم تهران که این مجازات را کافی نمیدانستند در اطراف مجلس و وزارت عدلیه اجتماع نموده تقاضای تجدید مجازات را داشتند بالاخره مرحوم ملک المتکلمین با پند و اندرز مردم را متقاعد نمود که بهمان مجازات قانونی قانع باشند . دیگر از پارسیان نیک سرشت خدمتگزار شادروان ارباب کیخسرو نماینده زرتشتیان و رئیس اداره مباشرت مجلس شورای ملی است که در تیرماه سال ۱۳۱۹ در گذشت و آثار نیکی از خود باقی گذارد

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم انوشیروان دادگر را با بیان مبارک خویش ستوده و فرموده اند که من در زمان سلطنت پادشاه عادل متولد شده ام و مرحوم ادیب المعالک قائم مقامی راجع باین حدیث شریف چنین میگوید :

دادگر اجز رواق گنبد کسری هیچ نمانده است از ملوک اوایل وین اثر از عدل شد که احمد مختار فخر کند بر زمان خسرو عادل و از همه مهم تر آنکه شاه زنان دختر یزد کرد آخرین پادشاه

ساسانی بشرف مزاجت حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام مشرف گردید و وجود مبارک حضرت سید سجاد علیه اسلام امام چهارم شیعیان و والد وجد ائمه اطهار علیهم السلام فرزندان همان بانوی نامدار ایرانی یعنی شاه زنان میباشد

● ●